

(اسناد بهارستان ۱۵)

نامه های مشروطه

دقر دوم

(جمادی الاولی تا ثوال ۱۳۲۸ق)

به کوشش

پیراهیم ذوالفقاری

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۲



سرشناسه: ذوالفقاری، ابراهیم، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: نامه‌های مشروطه/ به کوشش ابراهیم ذوالفقاری.

مشخصات نشر: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰-

مشخصات ظاهری: ج: ۱. نمونه.

فروست: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ شماره ۱۳۹۰-۱.

اسناد بهارستان؛ ۱۵.

شابک: ۸۰۰۰۰ ریال: ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۰۳۷-۲: ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۱۸۱-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فایا

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیا).

یادداشت: کتابخانه.

یادداشت: نمایه.

مدرجات: ج ۱. دوره دوم مجلس شورای ملی (خسفر ۱۳۳۷ - ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ ق.). - ج ۲. (جمادی‌الاولی تا شوال ۱۳۳۸ ق.).

موضوع: ایران. مجلس شورای ملی. دوره دوم - اسناد و مدارک

موضوع: ایران. مجلس شورای ملی - تاریخ - اسناد و مدارک

موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. - اسناد و مدارک

شناسه افزوده: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

رده‌بندی کنگره: DSR۱۴۰۵/۵۳۹۲ ۱۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۷۵۰۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۶۷۳۳۶



نامه‌های مشروطه

دفتر دوم

(جمادی‌الاولی تا شوال ۱۳۲۸ق)

به کوشش: ابراهیم ذوالفقاری

صفحه‌آرا: فاطمه بوجار

شماره انتشار: ۲۸۱

چاپ: نیکی ابویی‌زاده

پ‌اول: ۱۳۹۲

شماره ن: ۱

ریال ۱۱۰۰۰

شابک: 978-602-181-2

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انجمن کتابخانه،

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین

طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۶۶۹۶۴۱۲۱

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام صورت آرای معانی

اسناد یکی از موثق ترین منابع در پژوهش های تاریخی شمرده می شوند و درجه اعتبار آنها نسبت به دیگر مواد و مصالح تحقیق، بیشتر است. در تحقیقات مربوط به تاریخ معاصر ایران، از دوره مشروطیت تاکنون، اسناد، جایگاه ویژه و عمده ای دارند. چرا که اطلاعات زیادی عرضه می کنند، و می توانند زوایای تاریک بسیاری از وقایع تاریخی را روشن تر نمایند. کنجینه اسنادی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به یث دارا بودن اسناد مربوط به مجلس شورای اسلامی و ملی، بزرگترین مرکز اسناد در کشور محسوب می شود، و یکی از اسنادها، گنجین، به چاپ و انتشارش از بیست مجلد از این اسناد، اقدام کرده است. و در حد مقدمات خود، مجلدات دیگری نیز در دسترس محققان خواهد گذاشت. مجموعه حاضر، که اینک دفتر دوم آن انتشار می یابد، مسطری را در بر می گیرد که از جلدی الاولی تا شوال ۱۳۲۸ ق نوشته شده و برای تحقیق در تاریخ دوره مشروطه، بسیار اهمیت دارند. بسیاری از وقایع و مناسبات اجتماعی ایران در این عصر مستند. از پژوهشگر کرامی، جناب آقای ابراهیم ذوالفقاری، که به بازخوانی این اسناد و مقدمات ارزشمند، اقدام کرده اند، سپاسگزاریم.

محمد رجبی
رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

۹	♦ مقدمه
۲۵	♦ فهرست اسناد
۳۵	♦ متن اسناد
۳۶۵	♦ نمایه‌ها
۳۶۷	نامها
۳۷۳	جایها
۳۷۹	مناصب و پیشه‌ها
۳۸۳	نهاده‌ها و ارگانها

مقدمه

امضای فرمان مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی، در ایران، علی‌رغم سابقه‌ای حدوداً ۶۰ ساله در داشتن مجالس ملی و انتصابی، تجربه‌ای بدیع بود؛ تجربه‌ای که در صحنه عمل با اختلاف نظرهای بسیار همراه بود و حرکت آن را با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌کرد.

این اختلاف نظرها، که ناشی از خاستگاه غریب راه بود، به میزانی بود که برخی از آنان - که غرب کعبه آمالشان بود - تنها راه اداره مجلس را تولید همه‌جانبه از مدل غربی آن دانسته و نداشتن مجلس مشابه را، بهتر از داشتن آن معنای می‌کردند. نمونه‌ای از این طرز تفکر، به شرح زیر است:

این مشروطیت را، در جاهای دیگر دنیا، با زحمات چندین ساله، اختراع کردند؛ چون هر چیز اختراعی را بخواهیم از مأخذش برداریم، باید با تمام شرایط و مشکلات آن برداریم و اگر ما ساعت را بخواهیم برای تعیین وقت قبول کنیم، روشن یکی از چرخهای آن را نگذاریم، کار نخواهد کرد و نتیجه - که تعیین وقت است - به عمل نخواهد آمد و در این موارد، عدم به از وجود ناقص است؛ که ضرر مالیه خواهیم داشت.^۱

و برای آنکه سایر نمایندگان را به پذیرش این تقلید فراگیر، متقاعد نمایند، ضمن اشاره به موفقیت‌های دولت‌های غربی، به تحقیر ایران و ایرانی پرداخته و در مقام مقایسه وضعیت ایران با آنان، نسبت عکس را مطرح و آنان را مناره‌ای سر به فلک کشیده و ایران را، چاهی به عمق آن مناره می‌دانستند:

مجلس ما خیلی ناقص است و بدتر آنکه در راه ترقی و تکمیل هم نیست؛ چه اگر دول و ملل عالم و ترقی و تنزّل ایشان را، مقیاس قرارداده و تقسیماتی با درجات اعلی و درجات اسفل ثبت کنیم، چون از صفر بالا رویم، [و] پله پله از درجات تنزل می‌نمود کنیم، می‌رسیم به دول منظمه قانونی، چون: روس و عثمانی؛ و چون از آن بالاتر رویم، به دول: مشروطه اطریش و آلمان و انگلیس؛ و از آن بالاتر، به دول: روسیه و سوئیس و آمریکا می‌رسیم؛ که رفته رفته نواقص کمتر میشود و اغلب اصلاح شده؛ و از آن درجات اعلی، باز می‌بینیم که نسبت به خودشان، نواقصی دارند که پارلمان‌ها، ایشان، مشغول اصلاح آن هستند؛ ولی چون در عالم وهم، از آنها نیز بگذریم و رفتی [را] پیش کنیم که آن نواقص هم در آن، رفع شده باشد، بالجمله، به حدّی که بشری رسیده باشند؛ چون این دولت را معکوس کنیم، دولت و ملت ما خواهد شد همانطور که از قلب مناره چاه پدید آید.^۱

صرف‌نظر از این اختلاف نظرها و رهنمودها، یکبارگی مشکلات عمده‌ای که مجلس تازه تأسیس شده با آن مواجه بود، ارسال عریضه‌ها از سرور و کور بود؛ عریضه‌هایی که در آن، درخواست‌های متفاوتی وجود داشت و مجلس به عنوان مجبأ و پناهگاهی که قادر به حلّ تمامی مشکلات است، مورد خطاب قرار می‌گرفت. نحوه رسیدگی و پاسخگویی به عرایض مردم نیز، دستخوش اختلاف نظرهای متفاوتی بود؛ یکی رسیدگی به این عرایض را، دخالت در امور شخصیه می‌دانست و دیگری می‌گفت:

مجلس عدالت که ما می‌گوییم، گویا بعد از این باید تأسیس شود. و الا با اینکه داد مظلومین از هر طرف بلند است؛ چرا مجلس، وظیفه خود را، مداخله در امور شخصیه، نمی‌داند و با این حال تکلیف مظلومین چیست و رفع ظلم را از که بخواهند و در این صورت، چرا دیوان عدالت و مجلس تحقیق تشکیل نمی‌شود و چرا جواب عرایض و تلگرافات مردم را معین نمی‌کنند.^۱

در حالی که در نگاه به مردم و نقش آنان نیز، نظرها متفاوت بود و سید حسن تقی‌زاده با انکار نقش تاریخی آنان - که شرکت در جنبش تنباکو یکی از آن بود - نمود درصد از مردم ایران بکلی غافل و مابقی را ناامید، معرفی می‌کرد:

پیش ازین، صد سال بود، ملت ما، از معایب ایران بکلی غافل بوده و وضع خود را بهترین وضع می‌پنداشتند؛ چون روستائیان و عوام و درصدی ده، عیوب را می‌دانستند. ولی این سالها، برای رفع آنها در نظر نداشتند و مأیوس و ناامید نشسته بودند.^۲

و سید نصرالله تقوی، به روحیه سلطه‌ورزانه آنان اشاره داشت و در دفاع از حقوق آنان می‌گفت:

این ملت چه می‌گوید، می‌گوید:

« - اشترم من، تا توانم می‌کشم چون کشم زان، با کشتن خوشم - »
این ملت چه می‌گویند، می‌گویند: ما با موت پیمان می‌کنیم به قیت بیگانگان، تن در نمی‌دهیم [...] فقیر و غنی، ضعیف و قوی از اهل این ملک درمیدند که در رفع آرامش و اصلاحات امور دولتی به قدر قوه، کوشش کنند. [اهل همان اشخاصی هستند که دولت برای تحصیل مقاصدشان، دچار این قرض همان سوز شد؛ امروز که در نهایت لزوم، محتاج قلیل وجه استقراضی است، از وحشت عار این قرض جدید، زنهای ملت، حاضرند که فرش زیر پا و لباس بر خود را بفروشند

۱. دوره اول، جلسه ۲ - اظهارات سید حسین.

۲. همان.

و رفع حاجت فعلی دولت را کنند [...] کسانی که از جوایز دولتی، لب تر نکرده‌اند؛ خون از چشم می‌بارند و از این وضع ناگوار جگرشان کباب است و خواب راحت ندارند...)^۱

به هر حال، مردم رکن اساسی مشروطیت بودند و رسیدگی به درخواست‌ها و مشکلات آنان و همچنین اهمیت دادن به نظراتشان، در مجلسی که خود را منتخب مردم می‌انستند، می‌بایست در دستور کار قرار داده شود. از این رو، در تنظیم نظامنامه داخلی مجلس، بند چهل و هشتم، به این موضوع اختصاص داده شد:

...سایر مردم نیز می‌توانند در صلاح‌بینی یا شکایات، مطالب خود را مکتوباً با امضاء و نشان منزل، به مجلس بفرستند که در انجمن عرایض رسیدگی شده، آنچه تکلیف مجلس است بر رفتار [رفتار] شود.^۲

و در همین جلسه، در روز پنجم و نهم، تشکیل انجمن عرایض - که بعداً به کمیسیون عرایض، تغییر نام یافت - به جاگوونگی رسیدگی به نامه‌های مردم، تشریح شد:

۵۹ - چون عده عرایض به طرف مردم، غالباً زیاد خواهد بود؛ لهذا برای رسیدگی به عرایض، یک انجمن تحقیق عرایض برقرار می‌شود؛ این انجمن عرایضی را که لیاقت مذاکره در مجلس داشته باشند، عیناً به مجلس اظهار میدارد و از سایر عرایض، هفته [ای] یک مرتبه، فهرستی ترتیب داده، با اشاره به خلاصه آنها، به عرض مجلس خواهد رسانید.

در این بین، که بحث پیرامون عریضه‌های مردمی و نحوه رسیدگی به آنها و تشکیل انجمن عرایض، مطرح بود، برخی از نمایندگان نیز، ضمن آنکه حکام محلی و وزراء نقطه اصلی نابسامانی‌ها، معرفی می‌کردند، نگران نرسیدن عریضه‌های خود، به دست شاه بودند.

نمونه این نگرانی‌ها، در اظهارات آقا سید هاشم، - از نمایندگان آذربایجان - به شرح

زیر، مشهود است:

۱. دوره اول، جلسه ۱۹.

۲. همان.

ما اهل آذربایجان از جان و مال و عرض و ناموس، حاضریم که نگذاریم این وزرا و خائنین، دیگر ما را بچاپند و خون رعیت بیچاره را بخورند. ما همه قسم، با دولت همراهی داریم؛ که پول بدهیم و اسلحه و جان بدهیم برای پیشرفت مقاصد مملکتی و این اغتشاش سرحد ارومیه، از اجامر و اوباش است؛ اینها می‌توانند که رفع این حرکات را بکنند ولی نمی‌کنند و نمی‌خواهند بکنند؛ اینها بودند که فیروزه را به دو شیشه کنیاک فروختند [به] پروس، همین‌ها بودند که مملکت ایران را در عوض دو پول به دشمنان دادند. ما این‌ها را بخوبی می‌شناسیم. اینها نمی‌خواهند که ما را آزاد شود. اینها می‌خواهند همین‌طور مملکت را بفروشند و نمی‌گذارند که ما را آزاد شود؛ دل ایشان، والله به حال مملکت و ملت نسوخته است؛ فقط دل پول است؛ سوخته؛ اما اینها شب و روز چنان امر را در نظر پادشاه جلوه می‌دهند و تعلق [شاه] بآنها [باشد] می‌کنند و خود را دوستدار شاه و مملکت به قلم می‌دهند که بر شخص پادشاه هم امر اشتباه می‌شود. باید به پادشاه عرض کرد که این خائنین را از خود دور کنید؛ قاضی بگذارند که عرایض ما بلاواسطه برسد و بتوانند به حضور همایونی بی‌واسطه عرض کنند.^۱

به نظر می‌رسد به دلیل همین نگرانی‌ها بود که برای رساندن عرایض به گوش شاه، ترتیب زیر را در ماده هشتاد و سوم نظامنامه داخلی مجلس معین کردند:

۸۳ - برای انشاء عرایض به حضور مبارک همایونی، از مجلس مرکب از دوازده نفر از اعضاء مجلس، تشکیل می‌شود که هر دو نفر از آنها از [از] طبه باشند؛ این انجمن به ریاست رئیس مجلس، عریضه را نوشته، پس از قرائت در مجلس، به توسط هیئتی که مرکب است از رئیس مجلس و شش نفر که [از] طبه و ششگانه انتخاب کنند، به عرض می‌رسد.^۲

۱. دوره اول، جلسه ۳۳.

۲. دوره اول، جلسه ۱۹.

نحوه برخورد با عرایض مردمی، و نظر رئیس مجلس - که رسیدگی به این عرایض را، ضایع کردن وقت مجلس می‌دانست - و نظر سید حسن تقی‌زاده - که نگران بود تا مجلس به اتاق دفتر عرایض تبدیل نشود - به گونه‌ای بود، که در جلسه ی پنجاه و نهم - یعنی ۴۰ جلسه بعد از این مصوبه - گروهی از نمایندگان، درباره نتیجه تشکیل انجمن عرایض سؤال کردند که رئیس مجلس در پاسخ گفت:

قرار بود هر یک از آقایان وکلا، اسامی دوازده نفر را نوشته، بدهند که برای این کار معین شوند؛ بعضی‌ها نوشته، داده‌اند؛ بعضی هم حالا بنویسند، بدهند و آن‌گهی، این انجمن می‌تواند که تحقیقات و رسیدگی قطعی نماید؛ منتهی تشکیلاتی که پیش از این تشکیل شده، باید تا حدی که راجع به هر یک از وزارتخانه‌ها باشد، رجوع به آنجا می‌نماید. طبیعی بود که در شرایط حاکم بر کشور و جابجایی‌های صورت گرفته، مجلس نوپای شورای ملی، توانایی کار را نداشت تا نسبت به پیگیری جدی عریضه‌ها فعالیت داشته باشد و به رغم آنکه انجمن عرایض را تشکیل داد، در نقش واسطه‌ای بین عارضین و وزارتخانه‌ها ظاهر شد و تنها به ارسال این عریضه‌ها به مبادی ذی‌ربط و دریافت پاسخ از آنان - هرچه که بود - و ارسال پاسخ دریافتی برای عارضین، بسنده کرد. مذاکره‌ای که در این خصوص و در اعتراض نسبت به کوتاهی مجلس در رسیدگی به عرایض، در جلسه هفتم دوره اول، صورت گرفت و رأی آمار مربوط به مکاتبات صورت گرفته، حکایت از این نقش دارد:

به طوری که درچندی قبل قرار شد، انجمن تحقیق عرایض معین شده، دوازده نفر از وکلای محترم، در انجمن حاضر و به عرض عارضین، رسیدگی نمایند. [می‌نمایند]، دیگر از مجلس چه کوتاهی شده؟

آقا سید محمد مجتهد جواب دادند: صحیح است؛ اولاً: وظیفه این مجلس اجرا نیست؛ ولی مردم ملتفت نیستند و به حکومت هم عارض می‌شوند؛ رسیدگی نمی‌شود، لهذا ملتجی به اینجا می‌شوند؛ لابد باید مجلس رسیدگی نموده، به هر اداره که راجع است، رجوع نموده و ایستادگی کرده، جواب بخواهد و ثانیاً: گفتید

انجمن عرایض منعقد شده: پس این عارضین چه می‌گویند؟

جمعی از وکلا اظهار داشتند: که انجمن عرایض از صبح منعقد است تا نزدیک ظهر و اتصالاً مشغول کار است و مخصوصاً امروز، ۲۳ رقعہ در باب عارضین نوشته شده و همچنین تا کنون، دو هزار و هشتصد رقعہ بیرون رفته و جواب هزار و پانصد از این رقعہ‌ها، گرفته شده؛ دیگر مجلس چه بکند و بیش از اینکه تکلیف ندارند؟!

آقا سید محمد مجتهد فرمودند: چون مردم ملتفت نیستند و گمانشان این است که مجلس آمده و جلو ماها را بگیرند: خوب است انجمن عرایض هم، همان وقت مجلس منتهی شود که هر کس متظلم است، رجوع به آنجا شده، دیگر ما را اذیت نکنند.

پس از این گفتگو، یکی از نمایندگان آذربایجان - که نام او در صورت جلسه قید نشده - به مهمل بودن بسیاری از عریضه‌ها اشاره کرد و گفت:

«چند روز است من در انجمن عرایض می‌بینم؛ آن قدر عرایض مهمل و مفصل، داخل انجمن می‌شود، که قرائت و تحقیق آن غیر ممکن است و اسباب تصدیع و باعث تعطیل رسیدگی به عرایض سایر عارضین شد.»

از این‌رو، برای جلوگیری از ارسال عرایض بی‌مورد و جلوگیری از شکل آدرس نداشتن آنها، لایحه‌ای پیشنهاد شد تا نامه‌های مردمی، بر اساس آن صورت گیرد. این لایحه، در برگیرنده چند مطلب، به شرح زیر بود:

۱. اعلان شود عرایضی که عارضین می‌نویسند، همان ماحصل ملاحظاتی است که خود را نوشته.

۲. و نیز بطور آشکار، اسم ولایت و منزل خود را معین کنند که اسباب اشکال پستخانه و غیره که باید جواب بفرستند نشده و موجب تعطیل کار نگردد.

۳. دیگر اینکه هر کس عریضه می‌نویسد، یک تمبر عرایض، که قیمت آن یک قران باشد، گرفته به عریضه خود بچسباند که مایه اعتبار آن عریضه شده و این تمبرها را

هم در پستخانه شاید بفروشند.

۴. دیگر اینکه در ساعت معین، هر کدام از اعضا انجمن حاضر نشدند، دوهیرا [!؟]

بدهند؛ در صندوقی جمع شده، به مستحقین داده شود.

پس موافقت‌ها و مخالفت‌هایی که پیرامون این موارد صورت گرفت، احسن‌الدوله مادر تهیه لایحه‌ای در این خصوص شد که در جلسه هفتاد و سوم، به شرح زیر اعلام شد.

۱. به عموم اهالی محترم ایران اعلان می‌شود که از این به بعد، هر یک از افراد مجلس، مجلس یا شکایتی راجع به مجلس مقدس شورای ملی و یا انجمن‌های ایالتی و ولایتی داشته باشد، از روی حقیقت، به‌طور اختصار، اصل مطلب را بدون حشو و زوایای سب و خردش را به توسط یک نفر از معروفین آن محل، معرفی کرده، جا و مکان سود را به طریقی واضح یادداشت نماید که برای رسانیدن جواب در پستخانه‌ها، اسباب شرمه را به علوف فراهم نیاید.

۲. در تهران، برای سهولت تسلیم عرایض، یک صندوق عرایض به دیوار صحن مجلس مقدس شورای ملی نصب خواهد شد تا صاحبان عرایض بی‌معطلی عرایض خودشان را تسلیم نمایند.

۳. از این به بعد مقرر است که در طهران، اعضا و محرم انجمن عرایض، از چهار ساعت به ظهر مانده، در سر خدمت محوله به خدمت‌رسان و در روزهای معینه ذیل، مطالب عرایض را قرائت کرده به جاهای لازمه ارجاع نمایند. به غیر از روزهای متبرکه شب، یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه.

این نحوه پیگیری، صرف‌نظر از اینکه سودی برای عارضین نداشته باشد، برای برخی از نمایندگان را نیز در پی داشت؛ از این جمله، یکی از وکلا — که نامش را ثبت نکرده‌اند — بود که اظهار داشت:

«آیا اعضاء انجمن عرایض حق دارند در مطالب عرایضی که به انجمن داده می‌شود، دخالت نموده، تحقیق نمایند یا فقط حق ارجاع را دارند؟ اگر فقط همان

رجوع کردن عرایض به هر وزارت خانه - که متعلق است - باشد، این کار را یک نفر منشی هم می‌تواند از عهده برآید. دیگر لازم نیست عده [ای] از وکلای محترم در انجمن عرایض به جهت این کار باشند. ...»

و آقا سید محمد تقی نیز - در جلسه هشتاد و پنجم - اعتراض کرد که: از قراری که مسموع می‌شود، بعضی از عرایض و تظلمات به انجمن عرایض می‌رسد و در مجلس هم خوانده می‌شود؛ در روزنامه‌ها هم منتشر می‌گردد، ولی بعضی دیگر بکوت عنه می‌ماند؛ باید به مردم فهماند که این مجلس، با کسی غرض یا خصوصیت ندارد؛ در عفوای، تمام افراد بالسویه هستند. این ایام مکتوبی به عنوان بنده و سایر وکلای انجمن قلم سیده، تحقیق کردم، مکاتب متضاده، خیلی رسیده، تمام را هم جواب داده‌اند؛ ولی مجلس خوانده نشد؛ حالا از جهت این که بدانند غرض در بین نیست. می‌خوانم...

پاسخگو نبودن وزارتخانه‌ها، ترتیب ندادن به عرایض ارسالی از طرف مجلس. ناامیدی نمایندگان را نیز به دنبال داشت؛ چنان که سید حسن تقی‌زاده، برای رهایی از پیگیری‌های مردمی، در جلسه یکصد و سی و سوم، پیشنهاد کرد:

«این کمیسیون عرایض نمی‌تواند به این عرایض عاومی برسد؛ ما هم، هر یک، به گردن یکدیگر می‌اندازیم؛ پس باید لااقل رجوع کنیم به جایه که به عرایض آنها رسیدگی شود و هر چند ماه که می‌ماند و از پا می‌افتند، فلان در آنجا باشند.»

این ترتیب، با کش و قوس‌های فراوانی که داشت، ادامه یافت؛ اینک، به سه توپ بستن مجلس، و سرازیر شدن برخی از نمایندگان، به سفارتخانه‌های حرج و مرج و خروج از کشور، همه چیز پایان یافت.

پس از اقداماتی که در جریان استبداد صغیر صورت گرفت و حرکت سپاهیان منظم سپهدار تنکابنی و سردار اسعد بختیاری، از شمال و جنوب، تهران فتح شد و این بار، محمدعلی‌شاه، راهی سفارت روس شد و آنانی که پیش از این، در پناه سفارتخانه‌های

غربی، راهی فرنگ شده بودند، به کشور بازگشتند.

تشکیل مجلس، یکی از اساسی‌ترین اقداماتی بود که در این برهه زمانی، در دستور کار قرار گرفت و پس از اقدامات اجرایی انتخاب اعضاء، اولین جلسه آن، در تاریخ ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ق و با حضور ۶۱ نفر، تشکیل شد.

اولین اقدام در این جلسه، با توجه به تجربه‌ای که از دوره اول به دست آمده بود، انتخاب هیأت رئیسه بود؛ که بر این اساس، انتخاب رئیس سنی صورت گرفت و:

«حاجی شیخ رئیس، [که در این موقع، ۶۳ ساله بود] به ریاست انتخاب شد و آقای... خان کردستانی و معزالملک و آقای غفاری و شیخ غلامحسین، موافق... که این سه نفر وکلایان هستند؛ به سمت منشی‌گری تعیین شدند.»

ریاست شیخ... بر مجلس شورای دوم، بیش از ساعتی طول نکشید و در همین جلسه پیرامون انتخاب هیأت رئیسه دائمی و یا موقت، بحث و تبادل نظر شد، که به علت معلوم نبودن وضعیت اداری...، انتخاب هیأت رئیسه موقت در دستور کار قرار گرفت و نتیجه آن، به شرح زیر اعلام گردید:

در خصوص ابقای هیأت رئیس سنی و یا تعیین هیأت موقتی، رای گرفته شد؛ سی و سه رای به تعیین هیأت موقتی داده شد و هفت رای بر ابقای هیأت سنی، و یک رای امتناع داده شد. چون تعیین هیأت موقتی به اکثریت پذیرفته شد، ورقه ای منتشر شد و در مرتبه اول اکثریت تام حاصل شد؛ مجدداً ورقه ای منتشر شد و جناب مؤتمن‌الملک به اکثریت تمام (۳۸ رأی)، انتخاب شدند به ریاست موقتی؛ در خصوص تعیین نایبان رئیس موقتاً ورقه‌ای منتشر شد، جناب مستشارالدوله به اکثریت نسبی (۲۷ رأی)، نایب رئیس اول و جناب... به اکثریت نسبی (۲۵ رأی)، نایب رئیس دوم انتخاب شدند و منشیان سنا ابقاء شدند.

و پس از این مرحله، با تشکیل کمیسیون‌های ششگانه ۱۱ نفری، بررسی اعتبارنامه‌ها، وارد دستور شد.

تشکیل مجلس شورای ملی، منتهی درجه آرزوی کسانی بود که در دوره استبداد، از

خودکامگی حاکمان مرکزی و محلی به ستوه آمده بودند و اینک تنها راه نجات خویش را، در اجتماع کسانی جستجو می‌کردند، که به عنوان نمایندگانشان، راهی دارالحکومه کرده بودند.

نگاهی گذرا به تعامل مردم با مجلس شورای ملی در دورهٔ اوّل - که در عریضه‌های آنان مشهود است - و همچنین، نامه‌نگاری‌های کسانی که در این برههٔ زمانی، در مصدر کار واقع شدند، حکایت از این حقیقت دارد که برای آنان، مجلس، در جایگاهی فراتر از همه‌ی کسانی است که در سراسر ایران، در مقامات کشوری و لشکری، قرار گرفته‌اند.

برای همین است که در این مکاتبات، واژهٔ «مقدس» در کنار کلمهٔ «مجلس»، ترجیح‌بند همهٔ نوشته‌هاست و «دولتی است و، عبارت دعاییهٔ «شیّدالله ارکانه» در انتهای قریب به اتفاق تمامی نامه‌ها قرار گرفته تا نشانگر نقش باورهای اعتقادی مردم، در شکل‌گیری این اساس باشد.

در سیر مراحل تکمیلی، انتخاب رئیس مجلس نیز صورت گرفت و مستشارالدوله به عنوان رئیس دائمی انتخاب و سپس کمیسیون‌های تخصصی نیز تشکیل شد که یکی از آنها، کمیسیون عرایض بود که در جلسهٔ چهل و یکم در تاریخ ۱۳۰۱/۱۲/۲۷ معرفی شدند:

«حاج محمد اسمعیل کاشف، صدرالعلماء، سید جلال میرزا محمد نجات، حاج شیخ علی، افتخارالواعظین»

و باز در این دوره نیز، سیل عرایض مردمی از گوشه و کنار مملکت، به سوی مجلس سرازیر شد؛ عرایضی که در آن، عالی و دانی، حل مشکلات محلی و کلاً خود را از مجلس خواستار بودند ولی در این نوبت هم، کمیسیون عرایض تنها به عنوان واسطهٔ ارسال این عریضه‌ها، به مبادی ذی‌ربط عمل می‌کرد که این نوع برخورد نارضایتی‌های گسترده‌ای را به دنبال داشت؛ که بخشی از آنها، به شرح زیر است:

نصف ایران خراب شد و به قتل رسید که بقیه رعیت آسوده و راحت باشند آخر شماها مسلمان هستید اسم خود را وکیل ملت گذاشته‌اید در کمال راحت در

طهران مشغول خوش‌گذران [نی] هستید یقین است اگر در سر شام و نهار شما یک قضا [غذا] کسر باشد راحت نیستید، اگر رختخواب شما پر مرغ نباشد، راحت نیستید شماها چوپان ماها رعیت بیچاره هستید، جواب خداوند را چه خواهید داد.

(سند ۱۱۳ متن کتاب)

... الان مدت چهار پنج ماه، می‌شود که مستأصل، عریضه عرض حال خود را به ارلیای دولت و ملت و وزراء عرض کرده و می‌کنم ابدأ احقاق حق نشده و به عرایض کمینه نرسیدند. ظلمی که به کمینه شده است گذشته از حضرت سیاح و داء سلوات الله و سلامه علیها به کسی از خلق عالم چنین ظلمی نشده است. که بیع مردان ما را بدون سبب و تقصیر کشتند و اموال ما را غارت کردند و املاک ما را غارت نمودند و خود ما را اسیر و [حبس] کردند اگر به عرایض ما نمی‌رسید است. اینک پناه به خارجه بریم. محض رضای خدا به عرض این کمینه و یکم است. کمینه برسید...

(سند پاورقی ۱۲۶، متن کتاب)

چنانچه بگویند اهل یزد مسلماً این است، هستند. چنانچه اهل اسلام مقصر می‌باشند، انسان می‌باشند. چنانچه انسان نباشند، مخلوق خداوند می‌باشند. خوب است قدری بر آنها ترخم فرمایید. از یک طرف گرفتار سارقان، از یک طرف گرفتار مشیر، بدتر از همه گرفتار ظلم و تعدی. بختیاری ما به حال بدی در کرور و هفتاد و نه هزار و یکصد و پنجاه تومان به اسم و رسم جرم گرفتار از میان بهاره‌های فقیر در بدر بردند. اگر نمی‌دانند چرا؟! اگر می‌دانند و رحم نمی‌کنند چرا؟! این چه مجلس، این چه مشروطه، این چه انصاف، این چه رحم، این چه مروت، این چه عدل خداوند بر شما رحم کند. یزد و یزدی تمام شد. جمعی دزد و بی‌رحم و بی‌انصاف و بی‌جان و مال و ناموس ما فقیر پریشان مسلط هستند. الامان الامان کجا! شد آن حکام مهربان سابق که یاد آنها به خیر باد! چه شدند سلاطین دادرس سابق؟! یاد آنها به خیر باد چه شد عدل و انصاف که از آنها جز اسم شنیده نمی‌شود؟! آه که رعیت تمام و ولایت بالمره خراب شد دادرس هم نداریم فریادرس نداریم.

(سند ۱۱۶، متن کتاب)

ای وکلای محترم و ای نایبان امام علیه السلام! کفار در ولایت ایران محفوظند ما که مسلمان می‌باشیم چرا تاراج می‌شویم عدالت شما تمام نقاط ایران را مسخر کرد. مگر سیستان زمین یا جوج و مأجوج است؟!^۱

(سند: ۱۲۴، متن کتاب)

در برخی از مواقع هم، این عریضه‌ها، تحریک حسن‌ملیت را هدف‌گیری می‌کرد که عریضه‌ای زیر، نمونه‌ای از آن است:

یک روس به واسطه اینکه در مرکز مملکت، انقلابی حادث کند به مردم سخت گرفته. در حجره‌های تاریک و در میان خانه‌های سادات و اشخاص محترم، خودش آدم گذاشته، میان آن و خیال مردم شب و روز برخلاف قانون مملکتی، مطالبه طلب می‌کند. اگر کاری با تبعه ایران دارند باید به وزارت جلیله خارجه اظهار کند. تبعه ایران در مرکزی که پارلمنت [پارلمان] و وزارتخانه و نظمی و امنیه دارد، این قسم مغلوب باشند در بلاد خارجه حال تبعه داخله چگونه خواهد بود. آخر [ای] ذوات محترمه که نمایندگان ملت هستید از خلاف قانون ضررات چگونه جلوگیری فرمایید و خدا نخواستہ موجب فساد عظیمی بشود، اصلاحش باعث برآمد صبریت‌ها خواهد شد. از آن مقام مقدس فوراً استدعای رفع تطاول آنها را خواستارم....

در بعضی مواقع نیز، شرایط اجتماعی موجب برخی آهنگ‌ها می‌شود که برای تحلیل اوضاع و احوال آن روزگاران از ویژگی قابل توجهی برخوردار است. نمونه زیر:

«نظارت^۱ علماء نیست اگر علماء با رئیس یک اداره بسازد تمسک است. تمام کند، مثل سابق هم آنها بچاپند هم حکومت، یا بالعجب از دارالشورا همین علماء بی‌اندک هستند نمی‌خواستند مشروطیت بر پا شود چه شد حالا اینها مسموع به قول شد»

(سند ۱۳۶، متن کتاب)

و این نمونه نیز، نشانگر آشفته‌گی اوضاع و احوال حاکم بر حکومت ایران است:

خداوند ترحم فرمود که در دسر اعتراض و مسئله استیناف به میان نیامد یکی را می‌بینم اجراء اوامر مطاعه آقای آخوند را می‌نماید، در نظمیہ حبس می‌شود. یکی را ملاحظه می‌کنم انکار اوامر آخوند را می‌کند در صلحیہ رئیس می‌شود... دیگر کار به جان و کارد به استخوان رسیده هر چه عجز و الحاح و تظلم کرده، دو بال عبا پوشیده به عدلیه رفته، گاهی زیر دست یهودی نشسته، گاهی مؤخر از ارمنی شده، گاهی روی پا ایستاده تمسک کشیده به خرج هیچ کس نمی‌رود... اگر خیال اعضا؟ عدلیه این است که ما را به رنگ فرار دهند یا به باغ شاه بفرستند و یا به خانه غیاث نظام روانه نمایند تصویری است که حال زمانه عرضی ندارم...

(سند پاورقی ۱۸۱، متن کتاب)

و در برخی مواقع هم پاسخ می‌سریسته، منجر به اعتراض گردیده است: بعد از سلام و دعا، حرکت اقامت بسیار، آسف و حسرت بر دل ملت خواهان، مثل فقیر بار است، که چه وضعی در برابر روی کارآمده اصلاً اولیای امور محترمین و وزرای مسئول مکرمین ملتفت نکات کتاب نیستند و دوائ درد متظلمی نمی‌فرمایند و جواب‌های مجمل و سربسته به مردم ایشان حال می‌دهند

(سند پاورقی ۲۳۸)

و گاهی اوقات هم، عریضه‌نویس، ضمن اذعان به این مسئله - که وظیفه مجلس، پرداختن به امور جزئی نیست - این اقدام را، از روی ناچارگی بیان کرده و نوشته است: یک وقت بیچارگی بطوری آدم را از طریق آدمیت و شاهراه امنیت دور می‌سازد که بسا می‌شود، آن آدم حاضر می‌شود که ترک جان گفته و تلف نموده شود را هزار بار بر زندگانی ترجیح داده و خویشتن را به یک حرکت نامشروع از سختی گرفتاری و بیچاره بودن در زمانه راحت بنماید. و این قبیل حرکت شنیده یا دیده شده است که اغلب از کسی ظاهر می‌شود که به او ظلمی وارد آمده و به مشکل دچار باشد که راه چاره از هر طرف به رویش بسته و به هر سمتی رو می‌آورد. ابواب دادخواهی را مسدود داشته، امیدش گسسته و فریادرسی را نیابد. در چنین وقتی یقین است مردن،

هزار مرتبه بهتر از زنده بودن و تحمل ظلم و ستم نمودن است. این در مانده هم از شدت پریشانی و بیچارگی می بینم که نزدیک است همان حالت را پیدا بنمایم چرا که در منتها [ی] سختی و مظلومی از پا در افتاده ام و هر چه عجز و التماس می کنم احدی رحمتی نمی کند و از آداب مشقت مظلومی نجاتم نمی دهند. این است که ناچار شده ام به عرض نمایندگان محترم ملت برسانم و در مقام چاره جویی برآیم تا شاید دلسوزی و رحم نمایندگان کاری بکند و به یک توجه خاصی اسباب نجات و آسودگی این بی رگان فراهم آید و این مسئله بدیهی است که رسیدگی غریض جزئی و شخصی را نباید وظیفه مجلس مقدس دانست و از تکالیف پارلمان پنداشت ولی یک وقت می شود که بی قادر و کمال نمیشود آدم را گرفتار مشکلات می نماید که شخص ناگزیر است خاطر نمایندگان محترم را آگاهی دهد (و اگر ندهد تقصیر کرده است)

(سند ۱۶۸، متن کتاب)

مجموعه ای که در این جلد، فصل و پژوهشگران و محققان تاریخ معاصر قرار دارد، نامه هایی است که در برگیرنده دوره تاریخی از ابتدای تا شوال ۱۳۲۸ ق. می باشد؛ نامه هایی که تحقیق و پژوهش و تحلیل پیرامون آنها، برای تبیین تاریخ اجتماعی ایران در دوران مشروطه، ارزشی تعیین کننده و تأثیرگذار خواهد داشت. امید است این کوشش، مورد توجه اهالی تاریخ، خصوصاً پژوهشگران تاریخ معاصر قرار گیرد.

ابراهیم افقاری

۱۹ خرداد ۱۳۹۹ شمسی

www.ketab.ir

فهرست اسناد

- ۰۰۱) توصیه وزارت فوائد عامه، در خصوص پرداخت حقوق احتساب‌الممك. نوۀ حاجب‌الدوله / ۳۵.
- ۰۰۲) قرداد امین الضرب، برای ساختن راه آهن، بلدیر به بابل و اختلافات فی مابین / ۳۶.
- ۰۰۳) تقاضای مرخصی ضرغام‌السلطنه، به علت شرایط سیاسی و تعیین تکلیف خود / ۴۱.
- ۰۰۴) دستخط نخست وزیر به مجلس برای مذاکرات خصوصی / ۴۲.
- ۰۰۵) پیگیری حقوق غلام‌حسین شعاع لشکر در جریان مأموریت به قزوین / ۴۲.
- ۰۰۶) عریضه مستشارالسلطان، در باره بی‌ترتیبی قطع حقوق‌ها / ۴۳.
- ۰۰۷) نامه وثوق‌الدوله مبنی درباره علت ترک شهر / ۴۵.
- ۰۰۸) نامه وثوق‌الدوله مبنی بر عدم پذیرش خدمت دولتی / ۴۷.
- ۰۰۹) نامه‌های سردار محبی، مبنی بر استعفا از ریاست مجاهدین / ۴۸.
- ۰۱۰) نامه صدرالعلماء مبنی بر تحصن و رآمینی‌ها در مسجد سپهسالار و اوضاع و احوال ورامین / ۵۰.
- ۰۱۱) گزارش وزارت جنگ از حرکت قونسول روس از شیراز و اقامت در تهران / ۵۱.
- ۰۱۲) توصیه وزارت داخله به والی پشتکوه مبنی بر رعایت سید احمد فیلی / ۵۲.

- ۰۱۳) عریضه عبدالصمد، میرزای ناصرالملک، درباره قتل و اموال او / ۵۲.
- ۰۱۴) ارسال حواله پول به سفارت ایران در پترزبورگ توسط مسیو دوت / ۵۳.
- ۰۱۵) عریضه اسمعیل قرجه‌داغی درباره وضعیت خراسان / ۵۴.
- ۰۱۶) دعوت وزارت خارجه از ریاست مجلس، برای شرکت در مجلس نهار کلیسای امریکایی / ۵۵.
- ۰۱۷) رساله دینیت برای حضور در سفارت هلند / ۵۶.
- ۰۱۸) تقاضای سپهدار اعظم، از مجلس، برای مذاکرات خصوصی / ۵۶.
- ۰۱۹) تقاضای سپهدار اعظم، مبنی بر اجاره جنگل‌های شمال / ۵۷.
- ۰۲۰) مخالفت وزارت معینیه با عمل خط‌سازی / ۵۸.
- ۰۲۱) شکایت وزارت داخله از بخارالواعظین، به علت تحریک بر علیه قشون خراسان / ۵۹.
- ۰۲۲) نامه وزارت جنگ، دربار رسدگی به وضعیت مجاهدین / ۶۰.
- ۰۲۳) تلگراف از انجمن سعادت اسلامیه / ۶۲.
- ۰۲۴) نامه سپهدار اعظم، درباره عدلیه و نامه شرق / ۶۳.
- ۰۲۵) پاسخ مجلس به اهالی خلخال، مبنی بر اجرای اقدامات مناف / ۶۴.
- ۰۲۶) عریضه محمد علیخان شیبانی و تقاضای بورس تحصیلی در اروپا / ۶۴.
- ۰۲۷) تصویب پرداخت حقوق عقب افتاده حصن السلط / ۶۴.
- ۰۲۸) عریضه شهریار خداداد پارسی درباره ساخت راه بابل / ۶۶.
- ۰۲۹) توضیحات وزارت عدلیه در باره غلامرضا خان گروسی / ۷۰.
- ۰۳۰) ارسال حواله پول عباس‌خان و زکیه خانم برای مستشارالدوله / ۷۱.
- ۰۳۱) گزارش شرارت داراب، توسط انجمن ولایتی زنجان / ۷۰.
- ۰۳۲) عریضه میرزا اسدالله تاجر تمبر فروش در باره سوءاستفاده در پست و خیرات امین‌الدوله / ۷۲.
- ۰۳۳) اعتراض به استفاده از تمبر تصویر محمدعلی‌شاه و خط فرانسوی تمبرها / ۸۴.
- ۰۳۴) جلوگیری از اجتماع هیأت اتحادیه احرار / ۸۴.
- ۰۳۵) گزارش میرزا صالح‌خان کلانتر از حضور اشرار و قزاق‌ها در چرکر / ۸۵.

- ۰۳۶ گزارش تلگراف کنسول روس در قزوین با میرزا صالح خان کلانتر / ۸۷.
- ۰۳۷ درخواست اعزام میرزا ابراهیم به فرنگ برای تحصیل در یانوردی / ۸۸.
- ۰۳۸ گزارش میرزا صالح خان از وضعیت زنجان و اشراق / ۸۹.
- ۰۳۹ گزارش درباره امنیت راه‌های زنجان و تردد روس‌ها / ۹۰.
- ۰۴۰ گزارش وزارت جنگ درباره اصلاح قشون / ۹۱.
- ۰۴۱ گزارش وزارت خارجه درباره کشیدن لوله نفت توسط مسیو نویل در گیلان / ۹۳.
- ۰۴۲ گزارش وزارت فوائد عامه از بی قانونی در خروج عتیقه جات و قانون پیشنهادی آن / ۹۵.
- ۰۴۳ عریضه اعتراض بابت ناطقین به عملکرد مجلس و تهدید به حرکت انقلابی / ۹۷.
- ۰۴۴ عریضه عبدالصمد خاظم زاده سقز درباره درگیری خود و همراهان / ۹۹.
- ۰۴۵ تلگراف مبنی بر جرم سارالدوله / ۱۰۱.
- ۰۴۶ حکم سردار منصور در رابطه با رسیدگی نکردن به شکایت‌های ۲۰ سال به بالا / ۱۰۲.
- ۰۴۷ پاسخ عریضه میرزا حسن جوشقانی در رابطه با معادن نطنز و جوشقان / ۱۰۲.
- ۰۴۸ ارسال تقاضای حاج محمد باقر به پادشاهان به مجلس / ۱۰۳.
- ۰۴۹ قرارداد پیشنهادی واگذاری معادن جزیره هرمز / ۱۰۳.
- ۰۵۰ دعوت سپهدار اعظم از رئیس مجلس برای شرکت در جلسه منزل نایب السلطنه / ۱۰۶.
- ۰۵۱ گزارش وزارت مالیه درباره حقوق اسعدالدوله / ۱۰۶.
- ۰۵۲ تلگراف انجمن ولایتی سیستان مبنی بر انتخاب شیخ محمدحسن بهستانی به عضویت انجمن / ۱۰۷.
- ۰۵۳ تقاضای برقراری حقوق برای شهدای حسن ارسی دوز / ۱۰۸.
- ۰۵۴ مفقود شدن ۱۲۰۰ بسته امانت پستی واصله از خارج از کشور در رست خراسانی / ۱۰۹.
- ۰۵۵ تلگراف داعی الاسلام مبنی بر اعتراض به عملکرد مجلس / ۱۱۱.
- ۰۵۶ تأکید دولت بر استخدام مستر نیو در وزارت پست / ۱۱۲.
- ۰۵۷ طرح پیشنهادی سید حسن تقی‌زاده در باره قانون اجاره / ۱۱۴.
- ۰۵۸ تقاضا برای دادن نشان به تعدادی از فرانسویان که در مشروطیت نقش داشته‌اند / ۱۱۵.

- ۰۵۹) عریضه ورثه علی‌خان امیر تومان، که در جریان حمله داراب میرزا کشته شده است/ ۱۱۶.
- ۰۶۰) گزارش سفارت روس درباره فروش اسلحه و فشنگ به ایران/ ۱۱۸.
- ۰۶۱) تقاضای پرداخت کمک‌هزینه، برای هادی‌خان جهت تحصیل در مدرسه نظامی سن سیر/ ۱۱۹.
- ۰۶۲) عریضه مولیر درباره تمدید قرارداد خود/ ۱۲۰.
- ۰۶۳) تعیین حقوق برای اعزام کارپرداز ایران به بغداد/ ۱۲۲.
- ۰۶۴) گزارش وبا در تفلیس و اقدامات پیشگیرانه/ ۱۲۳.
- ۰۶۵) عریضه میرزا نادر درباره تصرف ملک او در ساوجبلاغ و نسبت آن به میرزا آقاسی/ ۱۲۴.
- ۰۶۶) اعتراض نمایندگان سیاسی برخی از کشورها در رابطه با اعطای امتیاز روده به حاجی کاظم/ ۱۲۷.
- ۰۶۷) عریضه میرزا عبدالکریم رسی در اعتراض به عدلیه/ ۱۲۹.
- ۰۶۸) تلگراف انجمن ایالتی خراسان درباره جدایی جویین از سبزوار/ ۱۳۱.
- ۰۶۹) عریضه درباره درگیری با فرانسویان در کیش/ ۱۳۱.
- ۰۷۰) عریضه حسینقلی‌خان، پیشخدمت دربار، درباره حقوق/ ۱۳۳.
- ۰۷۱) تلگراف انجمن ایالتی فارس درباره محاربه انجمن و تهدید به تعطیلی آن/ ۱۳۵.
- ۰۷۲) عریضه اهالی کمره در تقاضای جدایی از عدالت‌طلبان/ ۱۳۶.
- ۰۷۳) تقاضای منتصرالسلطنه برای تخصیص پول برای مصیبت‌گزاران امور اداری سفارت ایران در استانبول/ ۱۳۸.
- ۰۷۴) عریضه محمدحسین نام در شکایت از فردی به نام غلام‌حسین/ ۱۳۹.
- ۰۷۵) تصویب حقوق ارفع‌السلطان/ ۱۴۰.
- ۰۷۶) تأمین هزینه درمان میرزا موسی‌خان میرینج/ ۱۴۱.
- ۰۷۷) دعوا در رابطه با حدود املاک خارجه و خالصه در ایالت آذربایجان/ ۱۴۲.
- ۰۷۸) طرح ارباب کیخسرو درباره غیبت نمایندگان/ ۱۴۳.
- ۰۷۹) تقاضای تأمین هزینه تحصیلی مترجم نظام - برادر سید عبدالرزاق خان مقتول - برای رفتن به آمریکا/ ۱۴۵.

- ۰۸۰) پاسخ رفعت السلطان به شکایت‌های علیه خود/ ۱۴۸.
- ۰۸۱) تقاضای وزارت مالیه درباره زمین‌های ساحل دریا/ ۱۴۹.
- ۰۸۲) عریضه ساعدالملک در رابطه با قطع حقوق خود و اعزاز لشکر/ ۱۵۲.
- ۰۸۳) تقاضای هزینه تحصیل در اروپا برای ابوالحسن خان، برادر حکیم‌الملک/ ۱۵۴.
- ۰۸۴) ادعای ورثه خان بابا خان اعتمادالملک درباره معدن زرنیخ در صابین قلعه افشار/ ۱۵۵.
- ۰۸۵) رسیدگی به دعاوی قبل از بیست سال/ ۱۵۶.
- ۰۸۶) شکایت رسیدگی به دعاوی علیه بانوی عظمی، به دلیل داشتن تابعیت روس/ ۱۵۷.
- ۰۸۷) موافقت با اجاره قریه نوده لکوان به شاهزاده جلال‌الدین میرزا و توصیه برای صدرالعلماء قزوینی و نقل اقتدار السلطنه، پسر سپهدار اعظم در این مسئله/ ۱۵۸.
- ۰۸۸) عریضه معتمدالسلطنه به پسر مالیه آذربایجان در دعوی مالیاتی با اداره بلدیه تبریز/ ۱۶۲.
- ۰۸۹) طرح پیشنهادی قانون کشت و سرپررداری از معادن، توسط وزارت فوائد عامه/ ۱۶۴.
- ۰۹۰) دعوی میرزا حسین خان صوفی، حاج علی‌نقی حمامی درباره حمام چال/ ۱۶۷.
- ۰۹۱) عریضه در شکایت از عمیدالسلطنه حاکم طرابلس و ضرغام‌السلطنه/ ۱۶۹.
- ۰۹۲) طرح پیشنهادی انتخاب نماینده، به مجلس نمایندگان مستعفی یا فوت شده/ ۱۷۲.
- ۰۹۳) عریضه در شکایت از والی پشتکوه، از محله علی غریب بغداد/ ۱۷۳.
- ۰۹۴) تهدید تعدادی از قشون سیستان به رفتن به کنسولخانه بی خارجی به دلیل نرسیدن حقوق/ ۱۷۵.
- ۰۹۵) عریضه عنوان‌نگار در استدلال بر عدم تملک حاج میرزا آقاسی علیه محمودآباد ساوجبلاغ/ ۱۷۷.
- ۰۹۶) عریضه سادات قیری در رابطه با اختلاف آنان با خوانین بختیاری، در خصوص انحصاری نواحی معادن نفت/ ۱۷۸.
- ۰۹۷) حکم غیابی عدلیه گیلان در دعوی ملکی مشهدی ابوالقاسم با برادرش کربلایی محمدحسین/ ۱۷۸.
- ۰۹۸) طرح پیشنهادی ارباب کیخسرو در رابطه با غیبت نمایندگان/ ۱۸۱.
- ۰۹۹) عریضه ی شکایت از سالار مؤید، حاکم یزد/ ۱۸۳.

- (۱۰۰) عریضه ورثه نایب قلی خان، نایب کل احتساب / ۱۸۴.
- (۱۰۱) عریضه میرزا غلام‌علی تاجر کاشانی درباره تحصن در مسجد جامع کاشان و توهین به او / ۱۸۵.
- (۱۰۲) عریضه شیخ محمد شریعتمدار سواد کوهی، درباره حقوق خود و پدرش / ۱۸۷.
- (۱۰۳) عریضه سید احمد دهدشتی از بمبئی درباره اغتشاشات شهر بهبهان / ۱۹۰.
- (۱۰۴) تقاضای تعیین حقوق برای نایب‌الحکومه دامغان / ۱۹۳.
- (۱۰۵) عریضه باقر افشار ارومیه‌ای، رئیس نظمیه ارومیه درباره وضعیت خود / ۱۹۴.
- (۱۰۶) عریضه از حسن ولایتی ملایر درباره وضعیت انجمن و مخالفت‌های محلی / ۱۹۵.
- (۱۰۷) عریضه درباره رضاع آشفته قریه خمس از توابع خلخال / ۱۹۷.
- (۱۰۸) عریضه وزارت بهار درباره استنکاف ملاکین اصفهان از پرداخت مالیات و اوضاع و احوال اجتماعی و تجاری و کشاورزی آن / ۱۹۹.
- (۱۰۹) پرسش انجمن ولایتی وزیر در خصوص دخالت در محاکمات عدلیه / ۲۰۲.
- (۱۱۰) فرمان انتصاب بصیرالممالک به مأموریت خراسان و دریافت مالیات‌ها / ۲۰۳.
- (۱۱۱) عریضه درباره معادن جزیره هرمز و درخواست کانتینرهای شهادی مشروطه / ۲۰۴.
- (۱۱۲) عریضه کارکنان اداره پست درباره کمی حقوق، و تقاضای رسیدگی به تحصن در مجلس / ۲۰۵.
- (۱۱۳) عریضه شاه بانو - عیال ابوالحسن میرزا - مبنی بر درخواست راهی از ضرغام‌السلطان و تهدید به پناه بردن به خارج / ۲۰۶.
- (۱۱۴) عریضه منصورالملک - حاکم درگز - مبنی بر اغتشاشات صورت گرفته توسط حاج تقی و میرزا آقا / ۲۱۰.
- (۱۱۵) عریضه حاج احمد خویی مبنی بر شکایت از حاج سید علی (پدر) / ۲۱۳.
- (۱۱۶) عریضه از یزد مبنی بر ناامنی و شکایت از سارقین و بختیاری‌ها / ۲۱۶.
- (۱۱۷) عریضه از یزد مبنی بر درگیری‌ها و دست‌بندی‌ها و آتش زدن محل انجمن ولایتی / ۲۱۷.
- (۱۱۸) عریضه انجمن ولایتی طبس درباره ناامنی و اضطراب مردم / ۲۲۱.
- (۱۱۹) عریضه میرزا علیرضا خان درباره دست یافتن به صنعت ساخت باروت بی‌دود و بی‌مهری‌های وزارت جنگ / ۲۲۲.

- (۱۲۰) عریضه اهالی دامغان در شکایت از شرارت رحیم خان حشمت الممالک / ۲۲۸.
- (۱۲۱) عریضه در تأیید معاضدالوزاره، کارگزار لاهیجان / ۲۳۰.
- (۱۲۲) شکایت شکرالله خان از امیر علاءالدین در قتل و غارت روستاهای اطراف گروس / ۲۳۱.
- (۱۲۳) شکایت رئیس نظمیه طبس از حاجی محمدابراهیم صراف / ۲۳۴.
- (۱۲۴) عریضه طایفه میر شکار از سیستان در شکایت از حکومت / ۲۳۵.
- (۱۲۵) عریضه امیرالسلطان درباره پریشانی قشون خراسان به علت نرسیدن حقوق / ۲۳۷.
- (۱۲۶) شکایت مؤید دفتر از قطع حقوق خود / ۲۳۷.
- (۱۲۷) عریضه انجمن ولایت سمنان در شکایت از پیشکار مالیه / ۲۳۹.
- (۱۲۸) نامه وزارت داخله درباره حقوق اعضای انجمن ولایتی یزد / ۲۴۰.
- (۱۲۹) عریضه شاهزاده اکبر میرزا از توسرکان در باره مواجب خود / ۲۴۱.
- (۱۳۰) عریضه هاشم سلماهی بابت کسوف استانبول مبنی بر شکایت از شهیندر آنجا / ۲۴۲.
- (۱۳۱) شرح پیشنهادی سید حسین آذربایجان درباره رأی گیری در زمان غایب بودن نمایندگان / ۲۴۴.
- (۱۳۲) عریضه دایر بر شکایت از بانک روس در مورد مستقیم با بدهکاران / ۲۴۵.
- (۱۳۳) عریضه اسمعیل قرجه داغی در اعتراض به عزل معتز الوزان و تعویض مکرر مسئولین / ۲۴۸.
- (۱۳۴) عریضه شیخ ذبیح الله - رئیس انجمن ایالتی خراسان - ریاست ناسامانی های مختلف در خراسان و شرارت های محمدعلی نام در طبس / ۲۴۹.
- (۱۳۵) درخواست انجمن ولایتی ساوه درباره پرداخت هزینه های انجمن و حقوق اعضا / ۲۵۵.
- (۱۳۶) عریضه درباره ناسامانی در عدلیه قزوین / ۲۵۶.
- (۱۳۷) عریضه محمدرضاخان نایینی - متصدی ارسال نامه های مجلس - درباره دعوی حقوقی با یک مادر و فرزند و شکایت از صفاء السلطنه نایینی / ۲۵۹.
- (۱۳۸) شکایت ملا عبدالعلی مقانی از اشرار کاشمر / ۲۶۵.
- (۱۳۹) عریضه حسام المجاهدین در رابطه با شرایط ناسامان سبزوار / ۲۶۸.
- (۱۴۰) درخواست معتضدالسلطنه برای تأمین مخارج تحصیل پسرش در فرنگ / ۲۷۱.
- (۱۴۱) تقاضای برقراری حقوق برای همسر و فرزندان دکتر مورل فرانسوی / ۲۷۳.

- (۱۴۲) عریضه انجمن ولایتی تربت حیدریه درباره شرارت‌های محمدعلی گنابادی / ۲۷۴.
- (۱۴۳) شهادتنامه درباره تخفیف سربازی در روستای أبرک / ۲۷۵.
- (۱۴۴) عریضه سید موسی بحرینی درباره برقراری حقوق / ۲۷۷.
- (۱۴۵) شکایت حاج ابوالقاسم ملایری از ناظم‌العلماء در رابطه با تعطیلی انجمن ولایتی ملایر و اوضاع و شرایط حاکم بر شهر / ۲۷۸.
- (۱۴۶) شکایت ملاباشی از ناظم‌العلماء در جریان تعطیلی انجمن ولایتی ملایر و نقش مصدق الملک در این مسئله / ۲۸۲.
- (۱۴۷) عریضه شیخ عبدالحق مجتهد و حاجی عبدالواحد قاضی در حمایت از عمیدالسلطان و شکایت ولایتان اسالمی و ارتباط او با روس‌ها / ۲۸۳.
- (۱۴۸) پیشنهاد قانون اصلاح و تربت فوائد عامه / ۲۸۶.
- (۱۴۹) شکایت میرزا آقا میرزاخان از حاج آقا بزرگ شه میرزادی در رابطه با قتل / ۲۸۹.
- (۱۵۰) شکایت عباس‌خان نصیرالملک از سردار ناصر، حاکم همدان و اسدآباد / ۲۹۰.
- (۱۵۱) شکایت نصیر طیب بروجرود منتصرالدین و شرح وقایع بروجرود / ۲۹۴.
- (۱۵۲) عریضه شهرداری لنگرود درباره تخریب و تخریب‌های امتیاز تخم مرغ / ۲۹۶.
- (۱۵۳) گزارش شریعتمدار کردستانی درباره وضعیت عییه کردستان و نرسیدن حقوق اعضای آن / ۲۹۹.
- (۱۵۴) شکایت محمدهادی میرزا از ضرغام همایون / ۳۰۳.
- (۱۵۵) شکایت میرزا محمد تاجر از اعتضادالسلطان / ۳۰۵.
- (۱۵۶) عریضه تجار و اصناف گلپایگان مبنی بر شکایت از حکومت و تخریبی علیه / ۳۰۶.
- (۱۵۷) عریضه عبدالرحیم و عبدالصمد رحالی درباره وضعیت روستاهای و در اطراف خوی پس از دستبرد اسمعیل آقا شکاک و درخواست مالیات / ۳۰۷.
- (۱۵۸) عریضه انجمن ولایتی گلپایگان پیرامون مالیات نقدی و جنسی / ۳۰۹.
- (۱۵۹) ایضاً پیرامون مخارج انجمن و اثاثیه آن / ۳۱۲.
- (۱۶۰) عریضه یارمحمد افشار درباره قشون خراسان و نرسیدن حقوق آنان / ۳۱۳.
- (۱۶۱) عریضه انجمن ولایتی اصفهان مبنی بر نگرانی از ریاست طلبی‌ها و وضع آشفته مملکت / ۳۱۴.

(۱۶۲) عریضه انجمن ایالتی آذربایجان درباره اولتیماتوم انگلیس و درخواست حمایت سراسری از دولت / ۳۱۶.

(۱۶۳) عریضه آیت اللهزاده خراسانی درباره وضعیت خراسان / ۳۱۸.

(۱۶۴) عریضه همسر مشکوه السلطنه مبنی به شکایت از محتشم السلطان در گیلان / ۳۲۰.

(۱۶۵) شکایت تعدادی از تجار درباره عملکرد اداره پست در باجگیران / ۳۲۱.

(۱۶۶) شیخ مجلس به خلخال‌های مقيم باکو درباره پیگیری قضیه فردی به نام مناف / ۳۲۳.

(۱۶۷) عریضه اهالی خوانسار مبنی بر شکایت از حسن خان خوانساری / ۳۲۵.

(۱۶۸) شکایت پسر عبدالعزیز خان - همسر دوم بانوی عظمی - از وی / ۳۲۶.

(۱۶۹) عریضه شریعت‌آرا تبریزی در نصیحت به نمایندگان مجلس و توصیه در رعایت قوانین شریعت / ۳۲۹.

(۱۷۰) صورت حضور و غیاب نمایندگان مجلس / ۳۳۳.

(۱۷۱) عریضه تعدادی از بلندپایگان زارچ درباره حقوق خود و تبعیض در وزارتخانه / ۳۳۴.

(۱۷۲) تقاضای انجمن حفظ الصحة (هیأت علمای طبیه طهران) مبنی بر واگذاری وزارت معارف به میرزا ابوالحسن خان دکتر / ۳۳۹.

(۱۷۳) شکایت میرزا داود سیرجانی از اسکندر خان بختیاری / ۳۴۱.

(۱۷۴) عریضه محمود رسدباشی، از قم درباره چپاول معدن نمک / ۳۴۲.

(۱۷۵) عریضه انجمن ولایتی دره جز درباره حقوق اعضا / ۳۴۵.

(۱۷۶) شکایت امین‌الضرب از ساعد لشکر - نایب الحکومه استرآباد - در خصوص مالیات میرمحله / ۳۴۵.

(۱۷۷) عریضه میرمحمود اردبیلی مبنی بر قضیه نان در اردبیل و شکایت پیرامون آن / ۳۵۱.

(۱۷۸) نامه تهدیدآمیز مجلس به صولت‌الدوله جهت تمکین از دولت / ۳۵۶.

(۱۷۹) عریضه ایرانیان مقيم عراق از نجف اشرف در رابطه با برخورد دولت عثمانی با رعایای ایران / ۳۵۷.

۱۸۰) عریضه علی‌خان - رئیس قشون سبزوار - درباره توضیح خواستن از علت عزل خود / ۳۶۰

۱۸۱) عریضه ملاباشی در حمایت از منشی‌السلطنه و شکایت از مؤید خاقان، رئیس عدلیه ملایر / ۳۶۱

www.ketab.ir